

پنجشنبه ۷ آذر ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۹۲ • ۷

شرق

جهان • سیاست

گزارش مکتوب ۱۰۰روزه رییس‌جمهور به مردم در بخش اقتصادی	صفحه ۸
آیا دستگاه‌های تصفیه هوا، آلودگی را کاهش می‌دهند؟	صفحه ۱۰
آر شیو دیجیتالِی موسسه «اطلاعات» همچنان ادامه دارد	صفحه ۱۰

نگاه

عربستان آماده جنگ بزرگ مذهبی در منطقه می‌شود

بر اساس گزارش بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی (واشنگتن) گویا عربستان درصدد است یک ارتش مزدور ایجاد کند. قرار است این گروه متشکل از ۵۰هزارنفر باشد که با کمک پاکستان برپا شود و آموزش ببیند. در گزارش «یزید سیاق» کارشناس امور سیاسی گفته شده است که گویا وظیفه این ارتش سلاقط کردن بشار اسد است. ادعا می‌شود که این اطلاعات مستقیما از دربار عربستان‌سعودی کسب شده است. این گزارش با نوشته «اودید کیر» کراشناس امور خاورزدیک در سایت اینترنتی مجله «فرین پالیسی» هسان است.در آن مقاله تصریح شده که شبکه حامی نقشه عربستان ترکیبی است از دولت‌های اردن، امارات متحده عربی و فرانسه.

قرار است این نیروی مداخله‌جوی عربستان در مرحله نخست دارای دو تیپ (بریگاد) پنج‌هزارنفری باشد. آنچه هنوز روشن نیست این است که آیا این تصمیم به مرحله اجرا نیز رسیده است یا نه. بنا به گفته سیاق آنچه عربستان را به اتخاذ این تصمیم برانگیخته اختلاف ریاض و واشگتن بر سر سیاست است که آمریکا در مورد سوریه اجرا کرد. عربستان توقع داشت که آمریکا در سوریه مداخله نظامی کند، اما آمریکا به ازبین‌رفتن سلاح‌های شیمیایی و تعطیل موسسات تولید آن در سوریه اکتفا کرد.افزون بر این، عربستان از نزدیک‌شدن آمریکا به ایران نیز خشمگین است. با این‌همه آمریکا هنوز هم مهم‌ترین فروشنده اسلحه به منطقه خلیج‌فارس است. عربستان در سال‌های اخیر ۳/۳میلیارد سلاح از اروپا خریداری کرده است. بهترین معامله‌نصیب فرانسوی‌ها شده که توانسته‌اند بیش از دومیلیاردیورو اسلحه بفروشند. اینتالیا با فروش ۴۲۵میلیون‌یورو در مرتبه دوم قرار دارد، انگلستان با ۳۲۸میلیون‌یورو مقام سوم را دارد و پس از آن آلمان است که کل فروشش به ۱۵۲میلیون‌یورو بالغ شده است. این ارقام مربوط به سال ۲۰۱۰ است. در دوسال گذشته صدور اسلحه اروپایی به عربستان، قطر و امارات افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است.

رنگ‌آمیزی مذهبی
عربستان در کنار قطر مهم‌ترین حامی گروه‌های مسلح علیه برزیدنت اسد ورهبری اوست. گزارشگران نیویورک‌تایمز یک سال تمام (ژانویه ۲۰۱۲



تا مارس ۲۰۱۳) در پی شناخت راه‌های ارسال اسلحه از ریاض به دوحه بودند. بخش عمده محموله‌های ارسالی نخست به فرودگاه‌های ترکیه و از آنجا از طریق راه‌های زمینی به سوریه فرستاده شده‌اند. ریاض مقادیر زیادی سلاح از کرواسی خریداری کرده و از آنجا از طریق عمان به شورشیان رسانده است. همین چندروز پیش جورج مالبرونت، خبرنگار فیکارو گزارش داد که رساندن سلاح به دست شورشیان سوریه بدون موافقت آمریکا نمی‌تواند صورت گیرد. مالبرونت نوشت: «کلید در دست آمریکایی‌هاست. ماموران سیا، سازمان اطلاعاتی آمریکا، دست در دست اعضای ارتش آزاد سوریه و افسران اطلاعاتی اردن همراه کاروان اتومبیل‌های حامل اسلحه هستند که از بالا نیز زیر نظر هواپیماهای بی‌سرنشین از اردن قرار دارند.» پس پرده سعودی‌ها مسئول تامین هزینه سلاح‌ها و رساندن آن از اروپای شرقی به آن هستند. «قطر در سال ۲۰۱۳، ۶۰۰تین سلاح، از این راه به دست شورشیان رسانده شده است.

چالش میان عربستان‌سعودی و سوریه تاریخی طولانی دارد. صدسال پیش، پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، عربستان رو به سوی غرب، یعنی آمریکا آورد و بعدها استراتژی نهضت مقاومت فلسطین علیه اسرائیل را نیز پذیرفت. سوریه پس از جنگ جهانی اول علیه فرانسه که قیمومیت (سرپرستی) سوریه به آن داده شده بود، دست به مقاومت زد (تا سال ۱۹۴۶). پس از آن سوریه نقش دژ نهضت مقاومت فلسطین را، در برابر اسرائیل برعهده گرفت، که به ناحق سرزمین فلسطین را غصب کرده بود. در سال ۲۰۰۳ آمریکا از سوریه خواست تا در جنگ با عراق سهیم شود یا دست‌کم جاده‌های خود را برای عبور سپاهیان آمریکا در اختیار بگذارد و حق پرور از آن‌ها سخنان سوریه را به آمریکا بدهد و همچنین خاک خود را برای عقب‌نشینی احتمالی سربازان آمریکایی در اختیار بگذارد. بشار اسد به پذیرفتن هیچ‌یک از این خواسته‌ها تن در نداد. سوریه و عربستان از سال ۲۰۱۱ سرتنگنی‌های قدرت در تونس و لیبی و به‌ویژه در مصر را نظاره می‌کردند و به آنها ظنین بودند. البته عربستان خود مدت‌ها پیش نقشه‌ای برای سست‌کردن ثبات در سوریه ریخته بود که با نخستین آشوب در درعا آن را به‌کار انداخت. در آغاز نظران حds می‌زدند که با پس از انقلاب سوریه، عربستان علائق اقتصادی خواهدید است اما امروز جنگ رنگ کاملاً مذهبی به خود گرفته است. آتش‌افروزان سلفی امکان دارد از طریق ماهواره و تلویزیون سخنرانی‌های تحریک‌آمیز خود را در سوریه پخش کنند و خواستار سلاقط‌کردن اسد و علوی‌ها شوند و آنها را کافر اعلام کنند. اسد علوی است، همسرش سنی است و سیاستمداری است سکولار.

عربستان که خود را پرده‌دار کبیه و حافظ مدینه، شهرهای مقدس اسلامی می‌داند، اسد را منحرف می‌خواند زیرا با ایران و حزب‌الله لبنان مناسبات استراتژیک دارد. ریاض مدعی است که صاحب دریافت و قرائت اصل از اسلام است. از سال ۱۹۷۸ در روحانیت شیعی در ایران زمام‌قدرت را در دست گرفتند خاندان سلطنتی عربستان موقعیت خود را در خطر می‌بیند. از قرار معلوم، عربستان به بهانه به‌دست‌آوردن توان مقاومت در برابر قدرت اتمی ایران، قصد دارد به کمک پاکستان یا به عرصه صنایع اتمی بگذارد.

دریچه

برای پذیرش عضویت غیردایم شورای امنیت

عربستان دلخور است یا هراس دارد؟

عربستان‌سعودی از جهان دلخور است. آنچنان دلخور که از کرسی عضویت غیردایم در شورای امنیت چشم پوشید. این چشم‌پوشی اعتراضی است به «اتوانی شورای امنیت» و «سیاست دوگانه» آن. عربستان ترکیبی است از زمانی که شورای امنیت از عهده انجام مسوولیت خود که عبارت است از حفظ صلح و امنیت در جهان برنیاید، حاضر به پذیرفتن آن کرسی نیست.

حاکمان عربستان واقعا هم حق دارند دلخور باشند. ولی دلیل واقعی این عصبانیت شدید نمی‌تواند فقدان صلح و امنیت در جهان باشد، علت آن این واقعیت است که کشور پادشاهی عربستان در چند هفته اخیر از لحاظ راهبردی در موقعیت بسیار نامساعدی قرار گرفته است. عربستان‌سعودی و دیگر کشورهای «شورای همکاری خلیج(فارس)» در داغ‌کردن آتش چالش در سوریه به‌شدت سهیم بودند. آنها در این کار هم همدست

«جامعه جهانی ارزش‌های غربی» بودند و هم با آن رقابت می‌کردند. به این صورت که کشورهای عضو ناتو در درجه اول خواستار آن بودند که در دمشق رژیم‌ی را بر سر کل آورند که هم هوادار غرب و هم، در صورت امکان، سکولار باشد. اما ادعا شده که کشورهای عربی خلیج(فارس) برای جنگ مذهبی به میدان آمده بودند. اینها به‌مراتب بیرومندتر از نیروهای شل و ول ارتش آزاد سوریه بودند، تغییر رژیم‌ی که از این وضعیت می‌توانست به وجود آید با آنچه که

غرب می‌خواست کاملاً یکی نبود. پس از آنکه به‌وضوح روشن تر شد که توان مجموع نیروهای ضداسد آنقدر نیست که بتواند بدون دخالت نظامی از خارج از پس ارتش دولت سوریه برآید، واشنگتن با کمک روسیه استراتژی خود را تغییر داد. درست است که واشگتن کماکان اسکان دخالت نظامی را برای خود حفظ کرده ولی در حال حاضر بیشتر بر تلاش‌های دیپلماسی تکیه می‌کند؛ کاری که به‌شدت موجب عصبانیت مخالفان مسلح و حامیان آنها، یعنی کشورهای عربی خلیج‌فارس شده است. استراتژی آنها این بود که با کمک غرب مراکز قدرت شیعی را در منطقه بی‌ثر سازند و تسلط سنی‌ها را بر منطقه برای همیشه تثبیت کنند ولی اینک مشاهد می‌کنند که هم در اثر کاهش توجه آمریکا به گیری نظامی با سوریه و هم نشانه‌هایی که از احتمال همکاری آتی آمریکا-ایران به‌چشم می‌خورد، آن استراتژی با خطر مواجه شده است.

اما با وجود تمام این مسایل، در آینده نیز چون گذشته، شورای خلیج در کنار اسرائیل، برای پیشگیری از خیزش نیروهای رهایی‌بخش ملی در خاورزدیک، مطمئن ترین هم‌پیمان امپریالیسم غرب باقی خواهند ماند. عصبانیت کنونی شیوخ نفتی که احساس می‌کنند به آنها خیانت شده است، تغییری در این واقعیت نخواهد داد. آنها در آینده نیز چون گذشته به یک‌دیگر نیاز دارند. غرب که مورد نفرت خلق‌های عرب است به حاکمان عقب‌مانده عرب نیاز دارد و حاکمان عقب‌مانده عرب که آنها نیز به‌شدت مورد نفرت خلق‌های عرب هستند محتاج به حمایت غرب هستند.



عکس: AP

ضدتروریستی هم از کلال نیروهای امنیتی افغان انجام شود و طرف آمریکایی تنها به کارهای اطلاعاتی بسنده کند.

۴- مصونیت قضایی نظامیان آمریکایی در افغانستان است؛ یکی از مواردی که آمریکا بر سر آن حاضر به مذاکره نیست اما دولت افغانستان سعی دارد این مصونیت را لغو کند تا سربازان آمریکایی را در صورت تخلف در دادگاه‌های افغان تحت پیگرد قرار دهد. بیان این نکته ضروری است که آمریکا با بسیاری از کشورهای که سربازان خود را به آنجا اعزام می‌کند، چنین مصونیتی می‌خواهد. در نتیجه، در نبود ضمانت در مورد مصونیت قضایی، آمریکا اکیدا با ماندن سربازانش در افغانستان مخالفت خواهد کرد.

کرزای معتقد است این توافقنامه برای آمریکایی‌ها مهم است و مردم کشورش مانند او با این توافقنامه موافق نیستند، به اعتقاد رییس‌جمهوری افغانستان آمریکا افغانستان را می‌خواهد چون به‌عنوان پایگاهی مهم در مقابل چین و روسیه است. اینگونه نه‌تنها آسیای مرکزی، که با افغانستان می‌تواند شرق آسیا را هم مورد توجه خود قرار دهد، از سوی دیگر این تصمیم تازه آمریکا بر ماندن در افغانستان بی‌ارتباط با شرایط موجود خاورمیانه به‌خصوص سوریه و مصر نیست.

از سویی بسیاری از کارشناسان معتقدند تلاش کرزای برای ایجاد ارتباطی دوستانه با روسیه، چین، ایران و هند تنها برای اعمال فشار به آمریکاست تا اینگونه بتواند امتیاز بیشتری از این کشور در قبال امضای توافقنامه امنیتی دوجانبه میان آمریکا و افغانستان بگیرد. هرچند کرزای می‌داند یکی از منافع اساسی توافقنامه امنیتی دوجانبه برای افغانستان این است که در نتیجه آن، حمایت بین‌المللی از نیروهای امنیتی افغان ادامه پیدا می‌کند.

اعتراض طالبان به قرار داد امنیتی
از سویی دیگر طالبان قطعنامه لویه‌جرگه را بی‌ارزش و اعضای آن را خودفروخته آمریکایی‌ها خواند. گروه طالبان تأیید توافقنامه امنیتی میان افغانستان و آمریکا از سویی لویه‌جرگه مشورتی را محکوم کرد و قطعنامه لویه‌جرگه را بی‌ارزش خواند و در اعلامیه‌ای با لحن تند ی گفت که این جرگه برای تأمین منافع آمریکا برگزار شد. این گروه در بیانیه خود نوشت: «همه کسانی که در این جرگه شرکت کردند، کارمندان دولتی و حقوق‌بگیران آمریکا بودند و برای تصمیم‌گیری آزادی‌نداشتند».

مخالفت شدید طالبان با هرگونه حضور نظامی غرب در راستای تبلیغات ملی گرایانه این گروه است و این موضوع مبارزه آنها را توجیه و این امکان را ایجاد می‌کند تا تلفات غیرنظامیان در نتیجه اقدامات آنها را توجیه کند. از سویی دیگر خروج تمامی نیروهای خارجی از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴، از نظر نظامی این گروه را به‌شدت تقویت می‌کند، چرا که مقابله با نیروهای دولتی حتماً برای آنها به نسبت نیروهای خارجی آسان‌تر خواهد بود. همچنین خروج کامل نیروهای نظامی طالبان را امیدوار خواهد کرد تا شرایط خود را در مذاکرات تحمیل کند و در صورت حصول توافق، امتیازات بزرگی بگیرد. حتی با کاهش فشار بر طالبان این گروه می‌تواند توافقات قبلی را هم زیرپا بگذارد.

اعتراض و موافقت
اتلاف ملی افغانستان، یکی از گروه‌های اصلی اپوزیسیون دولت، در واکنش به صدور قطعنامه لویه‌جرگه مشورتی اعلام کرد: «جمع‌آوری دیدگاه‌های اعضای جرگه یا نمایندگن مجلس در تغییر متن پیمان امنیتی بی تأثیر است، چرا که هر نوع دیدگاه و طرح جدید، نیاز به مذاکرات تازه‌ای دارد.» شورای رهبری این گروه مخالف دولت از مرتبط‌کردن موافقتنامه امنیتی با مساله انتخابات ریاست‌جمهوری آینده انتقاد کرد و گفت: «آقای کرزای نباید موضوعات مصالح ملی و امضای پیمان امنیتی را با مساله انتخابات گره بزند و از این موضوعات، بهره‌گیری‌های فرصت‌طلبانه و باج‌گیرانه کند.» این در حالی است که اعضای حزب اتلاف ملی در نشست‌های لویه‌جرگه مشورتی در ارتباط با تصمیم‌گیری با این توافقنامه امنیتی شرکت نکردند. اتلاف پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری دوره گذشته به نتیجه آرای اعلام‌شده که بر اساس آن حامد کرزای برای چهارسال دیگر رییس‌جمهوری افغانستان باقی می‌ماند اعتراض کرد. آنها معتقد بودند که دولت در شمارش آرا تقلب کرده است. همین موضوع موجب اعتراض شدیدی از سوی هوادارانشان در افغانستان شد.

مرور فراز و فرود توافقنامه امنیتی آمریکا و افغانستان

اصرار ماندن

منجر به اعتراض شدید رییس لویه‌جرگه شد. صیغ‌ناله مجددی گفته بود: «کرزای حق ندارد موافقتنامه امنیتی را امضا نکند.» او گفته بود در صورت اصرار کرزای بر به‌تعویق‌انداختن امضای توافقنامه او کشورش را ترک و از افغانستان مهاجرت خواهد کرد.

اما کرزای در توضیح‌تاش گفته بود: «سهرورز پیش از انتخابات با سفیر آمریکا در کابل نشست داشتیم و درمورد لویه‌جرگه و توافقنامه امنیتی صحبت می‌کردیم. من از سفیر آمریکا پرسیدم چرا شما تأکید دارید که حتماً موافقتنامه را ما امضا بشود؟ چرا بعد از انتخابات امضا نمی‌کنید؟ سفیر آمریکا گفت که ما برنامه‌های خود را داریم. او گفت انتخابات شاید به دور دوم برود و در این صورت دور دوم انتخابات پنج تا شش‌ماه آینده به تأخیر می‌افتد. دلیل اینکه من گفتم انتخابات شفاف برگزار شود، از همان مجلس با سفیر آمریکا

او گفت: «می‌خواهیم آمریکا ضمانت کند حتی اگر انتخابات به دور دوم می‌رود باید در زمان تعیین‌شده در قانون یعنی دوهفته برگزار شود».

این در حالی است که آمریکایی‌ها اصرار دارند این توافقنامه میان دو کشور هرچه‌زودتر به امضا برسد. جن ساکی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در واکنش به سخنان کرزای گفته بود: «هرچه زودتر تا پیش از انتخابات پیش‌رو باید این موافقتنامه امضا شود، افغانستان باید به آمریکا و دیگر هم‌پیمانان اطمینان خاطر دهد تا بتوانند درباره حضور نیروهایشان پس از سال ۲۰۱۴ برنامه‌ریزی کنند.» از سویی جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، گفته بود: «ما درباره متن نهایی موافقتنامه امنیتی دوجانبه در توافق رسیدیم».

نهایتاًوزارت امور خارجه افغانستان پیش‌نویسی از این موافقتنامه را منتشر کرد. این موافقتنامه راه را برای باقی‌ماندن برخی از نیروهای آمریکایی در افغانستان پس از پایان سال جاری میلادی هموار می‌کند. در این توافقنامه ذکر شده بود که سربازان آمریکایی مصونیت قضایی خواهند داشت.

این در حالی است که ایالات متحده بیشتر تأکید کرده بود تنها در صورتی

بخشی از نیروهای نظامی‌اش را در افغانستان نگه می‌دارد که درباره مصونیت قضایی آنان موافقت شود.

افغانستان اما درباره منع بازرسی‌های شبانه نیروهای آمریکایی از خانه مردم و آمریکا درباره مصونیت قضایی نیروهایش اصرار دارد. کری، وزیر امورخارجه آمریکا تأکید کرده بود: «خیلی مهم است که رییس‌جمهوری افغانستان بداند به‌خوبی به مسایلی که در سال‌های گذشته با ما در میان گذاشته، پرداخته شده است. برای ما هم خیلی مهم است که بدلیتم مسایلی که در سال‌های گذشته آقای کرزای در میان گذاشته‌ایم، به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است.»

اما موارد مورد مناقشه میان دو کشور را می‌توان چنین برشمرد؛ مواردی که به نظر می‌رسد تا تأیید توافقنامه برطرف شده است: ۱- مذاکره‌کنندگان افغان از آمریکا خواسته‌اند در مقابل دخالت نظامی پاکستان در این کشور به آنها ضمانت‌هایی بدهد، که در این صورت در بعضی شرایط آمریکا ملزم می‌شود به پاکستان حمله کند. طرف آمریکایی با این خواسته اکیدا مخالف کرده است.

۲- خواسته دیگر مذاکره‌کنندگان افغان این بوده که آمریکا تعهدات محکم، مشخص و چندلایه‌ای در مورد رایبه کمک‌های مالی به افغانستان متقبل شود. این خواسته هم با قانون اساسی آمریکا مغایرت دارد و کنگره آمریکا کمک‌های خارجی را به‌صورت سالانه تعیین می‌کند.

۳- واحدهای ضدتروریستی آمریکا بعد از سال ۲۰۱۴ فقط القاعده و نه طالبان را مستقل‌ا هدف قرار دهند. حامد کرزای، رییس‌جمهوری افغانستان، سعی کرده حتی عملیات‌های

این کشور به گوش می‌رسد، حتی اگر دولت پاکستان نسبت به این حمله‌ها هم معترض باشد و آن را خارج از عرف بین‌المللی بخواند.

ماندن یا نماندن نیروهای نظامی غربی در افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ پیامدهای اقتصادی مهمی نیز دارد. در نتیجه خروج غربی‌ها، افغانستان در سال ۲۰۱۳ با افت اقتصادی بزرگی روبه‌رو شد و در سال ۲۰۱۴ هم تنها می‌تواند انتظار رشد اندکی را داشته باشد. همچنین احتمالاً فرصت‌های شغلی‌ای که به‌خاطر حضور نظامی غربی‌ها ایجاد شده بودند، از بین خواهند رفت. تداوم حضور نظامی غرب سرمایه‌گذاران خارجی و افغان را دلگرم خواهد کرد و باعث کاهش فرار سرمایه از کشور خواهد شد. پیش از این آمریکا و جامعه بین‌المللی به افغانستان قول داده بودند که در چند سال آینده کمک‌های اقتصادی به این کشور ادامه خواهد داشت؛ اما توان سازمان‌های غیردولتی و موسسات توسعه غربی برای کار کردن در افغانستان و انجام پروژه‌ها – به‌خصوص در خارج از کابل – به امنیت موجود بستگی دارد. اما واقعیت این است که تمایل کشور‌ها این است که کمک‌ها را به جاهایی که نظامیانشان در آنجا هستند بدهند.

از تشکیل لویه‌جرگه تا تأیید توافقنامه

لویه‌جرگه مشورتی افغانستان هفته گذشته با حضور دوهزار و ۱۰نماینده برگزار شد. بحث روی موافقتنامه امنیتی افغانستان و آمریکا موضوع اصلی تشکیل این جلسه بود. در این جلسه حامد کرزای بخشی از نامه رییس‌جمهوری آمریکا را برای حضاران خواند. اواما در نامه نوشته بود: اما در گذشته و به‌خصوص در این اواخر، تلاش‌های خود را دوبرابر کرده‌ایم تا به مساله مصونیت

و محرمیت خانه‌های مردم افغانستان احترام گذاشته شود. ما به تلاش‌های خود برای رعایت وقار و حرمت مردم افغانستان در خانه‌هایشان همان‌گونه که به وقار مردم آمریکا احترام می‌گذاریم، ادامه خواهیم داد».

در بخش دیگری از این نامه آمده: «نیروهای نظامی به‌استثنای موارد فوق‌العاده نمی‌توانند وارد خانه‌های مردم افغانستان بشوند و آن هم در مواردی که زندگی اتباع ما در خطر باشد.» کرزای گفته بود: «امتن نامه،

با آنکه با امضای رییس‌جمهوری آمریکا فرستاده شده، اما جزییات آن در همکاری با ریاست‌جمهوری افغانستان ترتیب داده شده است.» رییس‌جمهوری افغانستان عنوان کرده بود: «افغانستان در حال گذار قرار دارد و در این مرحله مهم، نیاز است تا حمایت جامعه جهانی را با خود داشته باشد. در صورت قطع حمایت آمریکا از افغانستان، همه حامیان بین‌المللی این کشور از افغانستان بیرون خواهند شد».

اما درگیری لویه‌جرگه و کرزای از آنجا شروع شد که رییس‌جمهوری افغانستان رسماً اعلام کرد: «در صورتی که اعضای لویه‌جرگه موافقتنامه امنیتی را تأیید کنند و مجلس افغانستان آن را تصویب کند، بعد از آن باز هم ما امضای این توافقنامه را به بعد از انتخابات موکول خواهیم کرد و این تصمیمی خدایی نبود برای حمایت کامل آمریکا از برگزاری یک انتخابات شفاف».

کرزای همچنین گفته بود: «بسیاری از کشور‌های منطقه، از جمله چین و روسیه با امضای چنین پیمانی بین آمریکا و افغانستان موافق هستند. عربستان‌سعودی، ترکیه و پاکستان نیز آنگونه که آقای کرزای می‌گوید موافقت خود را با امضای چنین پیمانی اعلام کرده‌اند. به گفته آقای کرزای تنها مقام‌های ایرانی صریحا گفته‌اند که با امضای چنین پیمانی مخالفند، اما به تصمیم و اراده مردم افغانستان، احترام می‌گذارند.» هرچند کرزای عنوان کرده بود که رابطه با ایران به اندازه رابطه با آمریکا برای ما اهمیت دارد.

اما نتیجه صحبت‌های حامد کرزای در پذیرفتن این توافقنامه تا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور

این‌روز‌ها افغان‌ها در گیر توافق امنیتی موردنظر آمریکا هستند؛ توافقی که به محل مناقشهای جدی میان دولت و لویه‌جرگه افغانستان تبدیل شده است. لویه‌جرگه

بزرگ‌ترین مجمع بزرگان و شخصیت‌های قومی و اجتماعی افغانستان است؛ مجمعی که در موارد بحرانی تشکیل می‌شود و اعضای آن به‌صورت انتخابی و انتصابی وارد این مجمع می‌شوند و معمولاً در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور از سوی رییس‌جمهوری این کشور فراخوانده می‌شوند. حالا لویه‌جرگه پس از تأیید توافقنامه امنیتی سعی دارد حامد کرزای را متقاعد کند تا پایان سال جاری به امضای این توافقنامه تن دهد. این در حالی است که رییس‌جمهوری افغانستان معتقد است باید امضای توافقنامه مذکور را به بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور موکول کرد. هرچند بعد از این برای اجرا باید متن توافقنامه در مجلس افغانستان به رای گذاشته و تصویب شود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری افغانستان به آمریکا اجازه می‌دهد بعد از سال ۲۰۱۴ بخشی از نیروهای نظامی‌اش را در افغانستان حفظ کند. توافقنامه‌ای که به‌موجب آن نیروهای نظامی ایالات‌متحده آمریکا مصونیت قضایی خواهند داشت. این در حالی است که پیش از این به‌دنبال سیاست‌های وضع‌شده در دولت باراک اوباما، رییس‌جمهوری دموکرات آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی ایالات‌متحده از خاورمیانه قرار بود نیروهای نظامی این کشور تا سال ۲۰۱۴ به‌طور کامل از افغانستان خارج شوند. حالا اما انگار تصمیم کاخ سفید بر ماندن است نه رفتن؛ تصمیمی که حامد کرزای حاضر به پذیرش آن تا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان نشود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری

ایران روزها افغان‌ها در گیر توافق امنیتی موردنظر آمریکا هستند؛ توافقی که به محل مناقشهای جدی میان دولت و لویه‌جرگه افغانستان تبدیل شده است. لویه‌جرگه بزرگ‌ترین مجمع بزرگان و شخصیت‌های قومی و اجتماعی افغانستان است؛ مجمعی که در موارد بحرانی تشکیل می‌شود و اعضای آن به‌صورت انتخابی و انتصابی وارد این مجمع می‌شوند و معمولاً در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور از سوی رییس‌جمهوری این کشور فراخوانده می‌شوند. حالا لویه‌جرگه پس از تأیید توافقنامه امنیتی سعی دارد حامد کرزای را متقاعد کند تا پایان سال جاری به امضای این توافقنامه تن دهد. این در حالی است که رییس‌جمهوری افغانستان معتقد است باید امضای توافقنامه مذکور را به بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور موکول کرد. هرچند بعد از این برای اجرا باید متن توافقنامه در مجلس افغانستان به رای گذاشته و تصویب شود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری افغانستان به آمریکا اجازه می‌دهد بعد از سال ۲۰۱۴ بخشی از نیروهای نظامی‌اش را در افغانستان حفظ کند. توافقنامه‌ای که به‌موجب آن نیروهای نظامی ایالات‌متحده آمریکا مصونیت قضایی خواهند داشت. این در حالی است که پیش از این به‌دنبال سیاست‌های وضع‌شده در دولت باراک اوباما، رییس‌جمهوری دموکرات آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی ایالات‌متحده از خاورمیانه قرار بود نیروهای نظامی این کشور تا سال ۲۰۱۴ به‌طور کامل از افغانستان خارج شوند. حالا اما انگار تصمیم کاخ سفید بر ماندن است نه رفتن؛ تصمیمی که حامد کرزای حاضر به پذیرش آن تا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان نشود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری

ایران روزها افغان‌ها در گیر توافق امنیتی موردنظر آمریکا هستند؛ توافقی که به محل مناقشهای جدی میان دولت و لویه‌جرگه افغانستان تبدیل شده است. لویه‌جرگه بزرگ‌ترین مجمع بزرگان و شخصیت‌های قومی و اجتماعی افغانستان است؛ مجمعی که در موارد بحرانی تشکیل می‌شود و اعضای آن به‌صورت انتخابی و انتصابی وارد این مجمع می‌شوند و معمولاً در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور از سوی رییس‌جمهوری این کشور فراخوانده می‌شوند. حالا لویه‌جرگه پس از تأیید توافقنامه امنیتی سعی دارد حامد کرزای را متقاعد کند تا پایان سال جاری به امضای این توافقنامه تن دهد. این در حالی است که رییس‌جمهوری افغانستان معتقد است باید امضای توافقنامه مذکور را به بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور موکول کرد. هرچند بعد از این برای اجرا باید متن توافقنامه در مجلس افغانستان به رای گذاشته و تصویب شود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری افغانستان به آمریکا اجازه می‌دهد بعد از سال ۲۰۱۴ بخشی از نیروهای نظامی‌اش را در افغانستان حفظ کند. توافقنامه‌ای که به‌موجب آن نیروهای نظامی ایالات‌متحده آمریکا مصونیت قضایی خواهند داشت. این در حالی است که پیش از این به‌دنبال سیاست‌های وضع‌شده در دولت باراک اوباما، رییس‌جمهوری دموکرات آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی ایالات‌متحده از خاورمیانه قرار بود نیروهای نظامی این کشور تا سال ۲۰۱۴ به‌طور کامل از افغانستان خارج شوند. حالا اما انگار تصمیم کاخ سفید بر ماندن است نه رفتن؛ تصمیمی که حامد کرزای حاضر به پذیرش آن تا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان نشود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری

ایران روزها افغان‌ها در گیر توافق امنیتی موردنظر آمریکا هستند؛ توافقی که به محل مناقشهای جدی میان دولت و لویه‌جرگه افغانستان تبدیل شده است. لویه‌جرگه بزرگ‌ترین مجمع بزرگان و شخصیت‌های قومی و اجتماعی افغانستان است؛ مجمعی که در موارد بحرانی تشکیل می‌شود و اعضای آن به‌صورت انتخابی و انتصابی وارد این مجمع می‌شوند و معمولاً در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور از سوی رییس‌جمهوری این کشور فراخوانده می‌شوند. حالا لویه‌جرگه پس از تأیید توافقنامه امنیتی سعی دارد حامد کرزای را متقاعد کند تا پایان سال جاری به امضای این توافقنامه تن دهد. این در حالی است که رییس‌جمهوری افغانستان معتقد است باید امضای توافقنامه مذکور را به بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور موکول کرد. هرچند بعد از این برای اجرا باید متن توافقنامه در مجلس افغانستان به رای گذاشته و تصویب شود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری افغانستان به آمریکا اجازه می‌دهد بعد از سال ۲۰۱۴ بخشی از نیروهای نظامی‌اش را در افغانستان حفظ کند. توافقنامه‌ای که به‌موجب آن نیروهای نظامی ایالات‌متحده آمریکا مصونیت قضایی خواهند داشت. این در حالی است که پیش از این به‌دنبال سیاست‌های وضع‌شده در دولت باراک اوباما، رییس‌جمهوری دموکرات آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی ایالات‌متحده از خاورمیانه قرار بود نیروهای نظامی این کشور تا سال ۲۰۱۴ به‌طور کامل از افغانستان خارج شوند. حالا اما انگار تصمیم کاخ سفید بر ماندن است نه رفتن؛ تصمیمی که حامد کرزای حاضر به پذیرش آن تا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان نشود؛ توافقنامه‌ای که در صورت امضای رییس‌جمهوری

شاید همین امر هم موجب شده تا دولت آمریکا امروز تصمیم بگیرد حضور خود را در این کشور پایان ندهد. اما این شاید تگاهی سطحی به موضوع باشد چرا که آمریکایی‌ها دلایل متعدد دیگری برای اصرارشان بر ماندن در افغانستان دارند چرا که آنها معتقدند تداوم حضور نظامی آمریکا در افغانستان کمک به امنیت (ایساف) و حضور نظامی دیگر کشورهای غربی است. چرا که در صورت نبود یک توافق امنیتی دوجانبه میان آمریکا و افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ هیچ نیروی آمریکایی‌ای نمی‌تواند در افغانستان باقی بماند و این یعنی احتمالاً باید همه نیروهای متعلق به کشورهای عضو اتلاف هم این کشور را ترک کنند.

از سوی دیگر فرماندهان نظامی آمریکا و ایساف معتقدند که ادامه کمک‌ها و مشاوره‌های غرب به نیروهای امنیتی افغان همچنان بسیار ضروری است و در نبود این کمک‌ها، امنیت افغانستان به‌شدت تضعیف خواهد شد. فرماندهان سابق ایساف و کارشناسان مسایل افغانستان خواهان استقرار ۱۵ هزار تا ۲۰هزار سرباز ناتو شده‌اند، اما هرچه که می‌گذرد، معلوم می‌شود که حداکثر تعداد این نیروها ۱۰هزارنفر و سهم نیروهای آمریکایی در آن تنها سه‌هزارنفر خواهد بود. اما در مرور دلایل اصرار آمریکایی‌ها بر ماندن پاکستان را نباید از قلم انداخت چرا که آمریکایی‌ها از طریق خاک افغانستان می‌توانند به‌راحتی بر گروه‌های تروریستی و جنگ‌طلبی که در پاکستان حضور دارند تسلط لازم را داشته باشند. چنان که هر بار اخباری از اعزام هواپیماهای بدون‌سرنشین آمریکا برای حمله به پایگاه‌های طالبان در



علی ذهابی